



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



حمله اسرائیل به ایران چه معنایی برای آینده جنگ دارد
کمرنگ شدن مرز میان حمله پیش‌دستانه و پیشگیرانه خطر آن را دارد که جهان را به وضعیتی از جنگ دائمی
سوق دهد

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در خصوص تجاوز اسرائیل به ایران، در خلال جنگ یا بلافاصله در روزهای پس از آن در سطح جهانی نوشتارهای مختلف منتشر شد. جدای از یادداشت های سیاسی که در رسانه ها یا گزارشات اندیشکده ها و مراکز علمی به وفور ارائه شدند، نوشتارهای حقوقی بین المللی معدودی نیز منتشر گردید. امور پژوهشی کمیسیون در خلال جنگ یا روزهای پسا جنگ با فوریت مقالات حقوقی مربوط به این تجاوز را ترجمه و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار داد. در این میان بعضا معدود نوشتارهایی از منظر دین یا اخلاق به بررسی این تجاوز پرداختند که این موارد نیز توجه کمیسیون را به خود جلب کرد و نسبت به ترجمه آنها اقدام شد. یکی از نوشتارهایی که نویسنده سعی کرده از منظر مباحث نظری فلسفه اخلاق به ارزیابی موضوع پردازد همین متن حاضر است. نویسنده که خود ایرانی الاصل مقیم انگلیس و فرزند فیلسوف شناخته شده دکتر عبد الکریم سروش است، در این نوشتار سعی کرده که دو مفهوم حمله پیش دستانه و حمله پیشگیرانه را بنا به تعریفی که در مغرب زمین مطرح شده محور قرار دهد و متذکر شود که فقط حمله پیش دستانه شاید توجیه اخلاقی داشته باشد و چون حمله اسرائیل به ایران مشمول شرائط حمله پیش دستانه نمیشود پس از هیچ توجیه اخلاقی حداقلی نیز برخوردار نبوده و این قبیل اقدامات می تواند جهان را در وضعیت جنگ دائمی قرار دهد.

امید است برگردان فارسی این اثر کوتاه بتواند تاملات در این حوزه را توسعه داده و برای مخاطبان صلح طلب و عدالت خواه مفید واقع شود.

ضمنا برای فهم بهتر محتوای متن، برخی توضیحات ضروری در زیر نویس مقاله اضافه شد که امیدواریم برای بهره برداری دقیق تر خواننده محترم کمک رسان باشد.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تیرماه ۱۴۰۴

◆ نویسنده: دکتر حسین دباغ، استادیار فلسفه در دانشگاه نورث ایسترن لندن و مدرس فلسفه در دانشگاه آکسفورد

◆ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، تیر ۱۴۰۴

◆ مآخذ: شبکه انگلیسی الجزیره، یکم جولای ۲۰۲۵

◆ شناسه متن: ۰۴/۲/۲۰۹

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.



متن مقاله:

در تاریکی پیش از سحرگاه ۱۳ ژوئن، اسرائیل [به ادعای خود] حمله‌ای «پیش‌دستانه» به ایران را آغاز کرد. انفجارهایی [متعدد] بخش‌های مختلفی از کشور [ایران] را لرزاند. از جمله اهداف این حمله، تأسیسات هسته‌ای نطنز و فردو، پایگاه‌های نظامی، آزمایشگاه‌های تحقیقاتی و اماکن مسکونی فرماندهان ارشد نظامی بودند. تا پایان این عملیات، اسرائیل دست کم ۹۷۴ نفر را کشت، در حالی که حملات موشکی تلافی‌جویانه ایران [بنا به ادعای منابع اسرائیلی] باعث کشته شدن ۲۸ نفر در اسرائیل شد.

اسرائیل این اقدام را دفاع مشروع پیش‌دستانه توصیف کرد و مدعی شد که ایران تنها چند هفته با تولید یک سلاح هسته‌ای عملیاتی فاصله دارد. با این حال، ارزیابی‌های اطلاعاتی - از جمله توسط متحد اسرائیل، ایالات متحده - و گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، هیچ شواهدی مبنی بر تلاش تهران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نشان ندادند. هم‌زمان، دیپلمات‌های ایرانی در حال مذاکره با همتایان آمریکایی خود برای دستیابی به یک توافق هسته‌ای جدید بودند.

اما فراتر از تحلیل‌های نظامی و ژئوپلیتیکی، یک پرسش اخلاقی جدی در میان است: آیا از نظر اخلاقی قابل توجیه است که حمله‌ای ویرانگر تنها بر اساس آنچه ممکن است کشوری در آینده انجام دهد، و نه آنچه که انجام داده، صورت گیرد؟ این اقدام چه سابقه‌ای برای دیگر نقاط جهان ایجاد می‌کند؟ و چه کسی تعیین می‌کند که چه زمانی ترس به تنهایی می‌تواند دلیل موجهی برای آغاز جنگ باشد؟

قمار اخلاقی خطرناک

اخلاق‌گرایان و حقوق‌دانان بین‌المللی تفاوتی اساسی میان جنگ پیش‌دستانه^۱ و جنگ پیشگیرانه^۲ قائل هستند. جنگ پیش‌دستانه در پاسخ به تهدیدی قریب‌الوقوع انجام می‌شود - حمله‌ای که در شرف وقوع است. اما جنگ پیشگیرانه حمله‌ای است در قبال تهدیدی احتمالی در آینده.^۳

نوع نخست که از دیدگاه اخلاقی قابل پذیرش است، ریشه در آثار فیلسوفانی چون آگوستین و آکویناس دارد، و در نظریات اندیشمندان مدرن همچون مایکل والزر نیز تأیید شده است - بازتابی از آنچه به عنوان «فرمول کارولین»

^۱. preemptive
^۲. preventive

^۳. توضیح مترجم: به موجب منشور ملل متحد نه حمله پیش‌دستانه و نه حمله پیشگیرانه هیچ مشروعیتی ندارد و غیر قانونی است. بحث‌های مربوط به توجیه این عناوین عمدتاً از سوی آمریکایی‌ها یا انگلیسی‌ها مطرح شده تا برخی از تجاوزات خود را توجیه نمایند. در دکترین علمای حقوق بین‌الملل نیز این بحث‌های مناقشه‌برانگیز جریان داشته و آثار متعددی در این خصوص ارائه شده از جمله اینکه مدافعان حمله پیش‌دستانه به بعضی عرف‌های قبل از منشور ملل متحد استناد کرده‌اند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، مخاطبان ارجمند می‌توانند به منابع زیر مراجعه کنند تا مطلع شوند که در آثار منتشره در مغرب زمین چه نگاهی به این دو عنوان حمله نظامی وجود دارد:

<https://fas-polisci.rutgers.edu/levy/articles/2014/20Levy,%20Preemptive%20and%20Preventive%20War.pdf>

<https://moderndiplomacy.eu/2020/06/29/the-legality-of-preemptive-strike-in-international-law/>

شناخته می‌شود، که به کارگیری نیروی پیش‌دستانه را تنها زمانی مجاز می‌داند که تهدید «فوری، قاطع، بدون امکان استفاده از روش‌های دیگر، و فاقد هرگونه فرصت برای تأمل» باشد.

با این حال، حمله اسرائیل از این آزمون اخلاقی، سربلند بیرون نمی‌آید. توانمندی هسته‌ای ایران در آستانه تکمیل نبود. مسیر دیپلماسی به پایان نرسیده بود. و ویرانی‌ای که این حمله در پی داشت - از جمله خطر انتشار مواد رادیواکتیو از سالن‌های سانتریفیوژ - به مراتب فراتر از آن چیزی بود که ضرورت نظامی ایجاب می‌کرد.

قانون نیز بازتابی از محدودیت‌های اخلاقی است. ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل متحد، استفاده از زور را ممنوع می‌داند، با تنها استثنای مندرج در ماده ۵۱ که دفاع از خود را پس از وقوع حمله مسلحانه مجاز می‌شمارد. استناد اسرائیل به دفاع پیش‌دستانه، بر عرف حقوقی مناقشه‌برانگیزی تکیه دارد، نه بر حقوق معاهدات پذیرفته‌شده. کارشناسان [شورای حقوق بشر] سازمان ملل این حمله را «اقدام آشکار تجاوز» دانسته‌اند که ناقض اصول آمره حقوق بین‌الملل (jus cogens) است.

چنین استثنای پرهزینه‌ای، نظم حقوقی بین‌الملل را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. اگر یک کشور بتواند به‌طور قابل اعتماد به دفاع پیش‌دستانه استناد کند، دیگران نیز چنین خواهند کرد - از واکنش احتمالی چین به گشت‌زنی‌ها در نزدیکی تایوان گرفته تا واکنش پاکستان به آنچه ژست‌های نظامی هند تعبیر می‌شود - و این روند، ثبات جهانی را به شدت تضعیف خواهد کرد.

مدافعان اسرائیل پاسخ می‌دهند که تهدیدهای وجودی می‌توانند اقداماتی شدید را توجیه کنند. رهبران ایران سابقه‌ای طولانی در لفاظی‌های خصمانه علیه اسرائیل دارند و همواره از گروه‌های مسلحی مانند حزب‌الله و حماس حمایت کرده‌اند. آنگلا مرکل، صدراعظم پیشین آلمان، اخیراً استدلال کرده است که وقتی موجودیت یک کشور در معرض خطر باشد، حقوق بین‌الملل در ارائه پاسخ‌های روشن و قابل اجرا دچار ضعف می‌شود.

زخم‌های تاریخی واقعی‌اند. اما فیلسوفان هشدار می‌دهند که سخن - حتی نفرت‌انگیزترین آن - معادل کنش نیست. لفاظی از عمل جداست. اگر صرفاً سخن بتواند جنگ را توجیه کند، هر کشوری می‌تواند بر پایه گفتار خصمانه دیگران، جنگی پیش‌دستانه آغاز کند. در این صورت، جهان در آستانه ورود به یک «وضعیت طبیعی»^۴ [غیر مدنی و از هم گسیخته] خطرناک قرار می‌گیرد - وضعیتی که در آن هر لحظه پرتنش می‌تواند بهانه‌ای برای جنگ باشد.

^۴. توضیح مترجم: نویسنده به وضعیت طبیعی (state of nature) که در نظریه‌های فلسفه سیاست در مغرب زمین مطرح شده اشاره دارد. وضعیت طبیعی، در نظریه سیاسی، وضعیت و شرایط واقعی یا فرضی انسان‌ها قبل یا بدون ارتباطات و اجتماعات سیاسی و مدنی است. مفهوم وضعیت طبیعی عنصر اساسی نظریه‌های قرارداد اجتماعی فیلسوفان انگلیسی چون توماس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹) جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) و فیلسوف فرانسوی ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) بود. دیدگاه‌های مربوط به وضعیت طبیعی بین نظریه‌پردازان قرارداد اجتماعی به شدت متفاوت است اگرچه بیشتر آنها آن را با فقدان وجود حاکمیت دولت مرتبط می‌دانستند.

فناوری، قواعد را بازنویسی می‌کند

فناوری، فضای احتیاط اخلاقی را تنگ‌تر می‌کند. پهپادها و جنگنده‌های اف-۳۵ که در عملیات «شیر غرّان» به کار رفتند، ظرف چند دقیقه توان دفاعی ایران را [در خلال چند ساعت اول جنگ] فلج کردند.^۵ کشورها پیش‌تر می‌توانستند به زمان برای گفت‌وگو، اقناع و مستندسازی تکیه کنند. اما موشک‌های مافوق صوت و پهپادهای مجهز به هوش مصنوعی این پنجره زمانی را فرسوده‌اند - و اکنون گزینه‌ای صریح پیش روست: یا سریع اقدام کن یا فرصت را از دست بده.

این سامانه‌ها تنها زمان تصمیم‌گیری را کوتاه نمی‌کنند - بلکه مرز سنتی میان زمان جنگ و صلح را از میان برمی‌دارند. با ادغام نظارت پهپادی و سامانه‌های خودکار در ژئوپولیتیک روزمره، خطر آن وجود دارد که «جنگ» به وضعیت پیش‌فرض بدل شود و «صلح» به استثنا.

در این وضعیت، ما دیگر در جهانی با بحران‌های موقت زندگی نمی‌کنیم، بلکه در وضعیتی قرار می‌گیریم که فیلسوف جورجو آگامبن آن را «وضع استثنایی دائم» می‌نامد - وضعیتی که در آن، شرایط اضطراری نه گهگاه بلکه به‌طور مداوم برای تعلیق هنجارها و موازین به کار گرفته می‌شود.

در چنین جهانی، خود ایده‌ی الزام دولت‌ها به اینکه باید بتوانند موارد بکارگیری خشونت را نزد عموم مردم توجیه [اخلاقی] کنند، رو به زوال می‌رود. برتری تاکتیکی - آنچه «برتری نسبی» نام گرفته - از این زمان فشرده بهره می‌برد، اما بهایی سنگین دارد.

در عصری که اطلاعات طبقه‌بندی‌شده می‌تواند واکنش‌هایی تقریباً آنی را رقم بزند، بررسی اخلاقی به حاشیه رانده می‌شود. دکترین‌های آینده‌محورِ ضربه اول، سرعت را بر قانون ترجیح خواهند داد، و غافلگیری را بر تناسب. اگر تمایز میان صلح و جنگ را از دست بدهیم، در نهایت این اصل را نیز از دست خواهیم داد که خشونت باید همواره توجیه [اخلاقی] شود - نه اینکه بدیهی و مفروض تلقی شود.

بازگشت به خویشتنداری

اگر مسیر کنونی اصلاح نشود، جهان با یک هنجار جدید روبه‌رو خواهد شد: **جنگ پیش از تعقل، ترس پیش از واقعیت**، منشور سازمان ملل بر اعتماد متقابل استوار است - اعتمادی که استفاده از زور را استثنا می‌داند، نه قاعده. هر حمله‌ی رسانه‌ای شده بخشی از این اعتماد را می‌ساید و راه را برای مسابقه‌های تسلیحاتی و واکنش‌های

^۵. توضیح مترجم: ایران بعد از چند ساعت اول تجاوز اسرائیل، به سرعت توانست فرایند دفاع از خود را آغاز و شدت آنرا تثبیت و با موشک‌ها و پهپادها ضربات موثری به متجاوز بزند به گونه‌ای که بعد از ۱۲ روز از شروع جنگ به صورت غیرمنتظره اسرائیل و آمریکا خواهان آتش بس شدند و پس از موافقت ایران، روند درگیری‌ها متوقف شد.

هیجانی باز می‌کند. برای جلوگیری از این چرخه‌ی خطرناکِ درگیری‌های ترس‌محور، چند گام حیاتی باید برداشته شود:

۱. راستی‌آزمایی شفاف باید الزامی شود:

ادعاهای مربوط به «تهدید قریب‌الوقوع» باید توسط نهادهای بی‌طرف - مانند بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا کمیسیون‌های تحقیق مستقل - بررسی شوند، نه اینکه در دل پرونده‌های محرمانه دفن گردند.

۲. دیپلماسی باید در اولویت باشد:

مذاکره، دیپلماسی پشت‌پرده، خرابکاری هدفمند، تحریم‌ها - همگی باید به‌طور مستند و کامل پیش از هرگونه حمله نظامی طی شده باشند. نه به‌طور اختیاری، نه پس از واقعه.

۳. ارزیابی عمومی از خطرات غیرنظامی الزامی است:

پیش از فشار دادن ماشه، کارشناسان محیط‌زیست و بهداشت باید اثرات جانبی حملات بر جان انسان‌ها و طبیعت را بررسی و گزارش کنند، این اصول نه تنها اخلاق را به میدان بازمی‌گردانند، بلکه قانون، شفافیت و انسانیت را در مواجهه با سرعت مرگبار فناوری‌های مدرن، احیا می‌کنند، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و عموم مردم باید بر رعایت این حد و مرزها پافشاری کنند - و دولت‌ها را پاسخگو نگه دارند.

جنگ پیش‌دستانه ممکن است در موارد نادری از نظر اخلاقی قابل توجیه باشد - مثلاً زمانی که موشک‌ها آماده شلیک روی سکوی پرتاب باشند یا ناوگان‌هایی از خطوط قرمز عبور کنند. اما این استاندارد به‌طور عامدانه [حاشیه سنجش] بسیار بالایی دارد. حمله اسرائیل به ایران جنگ پیشگیرانه (preventive)^۱ نبود؛ این حمله نه در پاسخ به حمله‌ای در حال وقوع بلکه علیه یک احتمال ترسناک صورت گرفت. نهادی کردن این ترس به عنوان دلیل جنگ، دعوتی به درگیری دائمی است.

اگر به نام ترس از احتیاط صرف نظر کنیم، مرزهای اخلاقی و قانونی مشترکی را که انسانیت را به هم پیوند می‌دهند رها کرده‌ایم. سنت جنگ عادلانه از ما می‌خواهد هرگز کسانی را که ممکن است به ما آسیب بزنند صرفاً به عنوان تهدید ننگیم - بلکه آن‌ها را انسان‌هایی بدانیم که هر یک شایسته‌ی تأمل و بررسی دقیق هستند.

جنگ ایران و اسرائیل بیش از یک نمایش نظامی است. این یک آزمون است: آیا جهان همچنان خط جداکننده‌ی دفاع مشروع از تجاوز بی‌مهاری را حفظ خواهد کرد؟ اگر پاسخ منفی باشد، ترس تنها سربازان را نخواهد کشت؛ بلکه امید شکننده‌ی اینکه خویشنداری می‌تواند ما را زنده نگه دارد را نیز خواهد کشت.

^۱ توضیح مترجم: به نظر می‌رسد یا نویسنده اشتباهی به جای پیش‌دستانه از واژه پیشگیرانه استفاده کرده یا در رسانه منتشر کننده مقاله اشتباه تایپی صورت گرفته است چون بنا به تعریفی که نویسنده در ابتدای نوشتار خود نیز ارائه کرده است و در همین پاراگراف هم در جمله قبلی بیان داشته ظاهراً می‌خواسته بگوید که حمله اسرائیل شرایط یک حمله پیش‌دستانه را ندارد بلکه پیشگیرانه است که به تهدیدات احتمالی آتی از نگاه اسرائیل مربوط می‌شود نه تهدیدات قریب‌الوقوع و فوری از ناحیه ایران که این امر نیز هیچ اعتبار اخلاقی و حقوقی ندارد.